



۱۵

شکار هلال به زبان ساده

دنیادر سایه مرگبارترین بیماری های عفونی

۱۴

جنگ اینجا نفس می کشد

۱۶



زندگی

پنجشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۹ :: شماره ۵۶۶۶



info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۱۶۱۴۲

##صیفی جات- گرانی

شمس از تهران:

گرانی صیفی جات سرسام آور شده و متأسفانه هیچ سازمانی به این گرانی ها ورود پیدا نمی کند.

##سهام- عدالت

ژینعلی از تبریز:

زمان بازگشایی سایت سهام عدالت برای نام نویسی افرادی که سهام عدالت ندارند چه زمانی است؟ لطفا دولت محترم به این موضوع و درخواست مردم رسیدگی کند.

##پیشخوان- کرونا

وفادار از تهران:

دفاتر پیشخوان دولت با توجه به مراجعات بی شمار مردم بسیار شلوغ شده و متأسفانه فاصله گذاری اجتماعی در این اماکن رعایت نمی شود.

##خودرو- آشفستگی

ناظم زاده از تهران:

کنترل نشدن قیمت خودرو و عرضه نامناسب توسط خودروسازان باعث آشفستگی در بازار خودرو شده و به نظر می رسد تنها علاج این آشفته بازار، گران کردن قیمت خودرو توسط خودروساز است که بازم به ضرر مصرف کننده است.

##تهران- فاصله گذاری

باقری از تهران:

بسیاری از کارشناسان کماکان به تداوم وضعیت قرمز در شهر تهران اعتقاد دارند. با این اوصاف بهتر است دولت محترم فاصله گذاری اجتماعی را با شدت بیشتری دنبال کند.

##صف نان

سیف اللهی از تفرش:

صف نانوائی ها در ماه رمضان و در ساعاتی نزدیک به اذان، مخصوصا در زمان پخت نان صلواتی بسیار نزدیک به هم و فشرده است؛ روندی که خلاف فاصله گذاری اجتماعی در این روزهای بحران کروناست. بهتر است مردم بیشتر رعایت کنند.

##ماسک- مترو

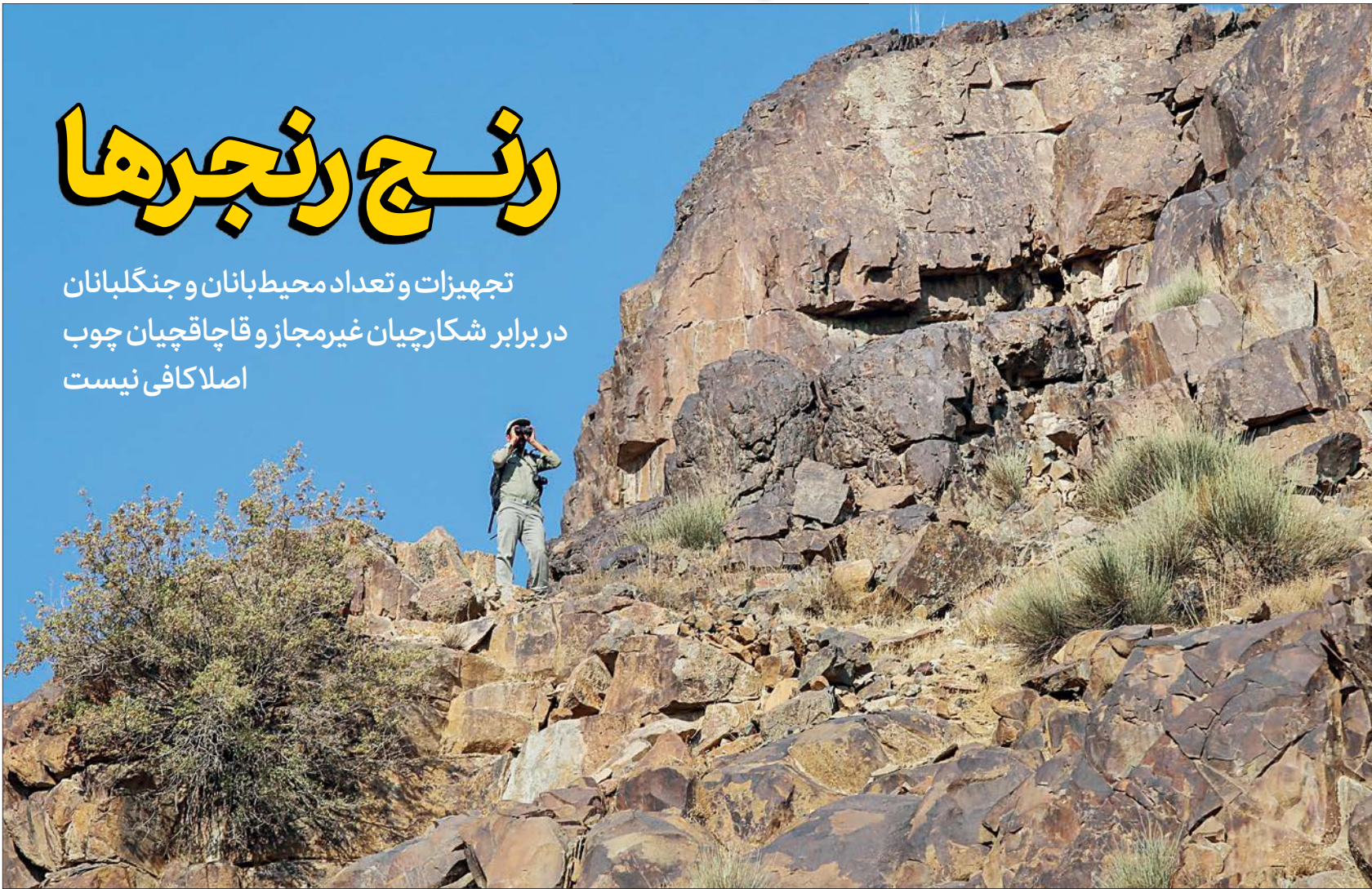
علیزاده از تهران:

با وجود اجباری شدن استفاده از ماسک در مترو و تذکر متصدیان مترو به مسافران، هنوز کسانی هستند که بدون ماسک وارد ایستگاه های مترو و واگن های قطار می شوند. انتظار داریم قانون های سختگیرانه تری وضع شود.

##بازگشایی- مدارس

فاضلی از تهران:

باز شدن مدارس باعث شده است فرزندان کوچکمان به هوای دیدن دوستانشان، بخواهند به مدرسه بروند، در حالی که به طور کامل، آموزش مجازی دیده اند. ضمن این که هنوز شرایط بیماری کرونا برای رفتن به مدرسه ایده آل نیست.



رنج رنجرها

تجهیزات و تعداد محیط بانان و جنگلبانان
در برابر شکارچیان غیرمجاز و قاچاقچیان چوب
اصلا کافی نیست

تردد در مناطق صعب العبوری یکی از سختی های شغل محیط بانان است/ عکس: جام جم



شاید تلخ ترین عدد باشد؛ چرا که سال گذشته علی افضلی عنوان اولین محیط بانی را دریافت کرد که قصاص شده است. آذرماه ۹۸ برای اولین بار در ایران یک محیط بان اعدام شد، محیط بانی که ده سال پیش یک مظنون به شکار را به قتل رساند، اتفاقی که حواشی زیادی برای محیط بانان به وجود آورد. ماجرا به ۱۰ سال پیش برمی گردد محیط بان افضلی که همراه خانواده اش بود، متوجه تردد خودرویی در یک منطقه حفاظت شده می شود. این در حالی بود که راننده خودرو سابقه شکار داشته است، محیط بان او را تعقیب می کند و سرانجام این فرد مظنون به شکار را مقابل خانه اش به قتل می رساند. حالا ده سال از آن ماجرا گذشته است و بعد از این که خانواده قربانی رضایت ندادند، این فرد اعدام شد.

۹۶ محیط بان برای یوز

تصاویر گشت و گذار یوزها در چند روز گذشته را خاطرات هست؛ ویدئویی که حسابی دوستداران حیات وحش ایران را سر ذوق آورده بود. اما چه کسی است که نداند یکی از موارد تهدید کننده جان یوزپلنگ های باقیمانده در ذخیره گاه زیست کره توران، کمبود محیط بانان این منطقه است. هرچند سازمان حفاظت محیط زیست اولویت استخدام محیط بان را برای زیستگاه های یوز در نظر گرفته است، اما باید یادآور شد برای حفاظت از زیستگاه های رسمی یوز که حدود شش میلیون هکتار وسعت دارد، فقط و فقط ۹۶ محیط بان وجود دارد. ماجرا زمانی نگران کننده تر می شود که بدانید همین تعداد محیط بان در این منطقه هم به صورت شیفتی کار می کنند یعنی تنها نیمی از این آمار هر روز در زیستگاه های یوز فعال هستند.

۲۲۰۰۰ لیتر

چندی پیش گفت وگویی یکی از محیط بانان در رسانه ها حسابی دست به دست می شد. در بخشی از گفته های او به کمبود- و گاه نبود- بدیهیات لوازم و امکانات این کار اشاره شده بود. این که آنها به بهانه حمایت از کالای داخلی موتورسیکلت هایی را در اختیار دارند که تقریباً همیشه خراب است و اگر هم سالم باشد به دلیل نداشتن سوخت بلااستفاده است! حالا اگر حتی بخشی از گفته های او را پای اغراق رسانه بگذاریم، نباید از چالش امکانات این افراد بگذریم. به گواه آمارها در حال حاضر ۶۴ پاسگاه محیط بانی در مناطق چهارگانه محیط زیست دایر است و محیط بانان این پاسگاه ها از ۹۰۰ خودرو و هزار موتورسیکلت برای گشت زنی استفاده می کنند. به گفته فرمانده یگان حفاظت محیط زیست، محیط بانان برای گشت زنی روزانه به ۲۲ هزار لیتر بنزین نیاز دارند و این در حالی است که پس از سهمیه بندی سوخت حالا جنگلبانان هم با چالشی تازه به نام نداشتن سوخت روبه رو هستند، چالشی که البته بسیاری از قاچاقچیان چوب و زمین خواران را حسابی سرمست کرده است.

که صاحبان آنها به صغیر و کبیر حیوانات رحم نمی کنند! با این حساب بیش از سه میلیون سلاح شکاری در اختیار مردم قرار دارد و هر کدام از کسانی که جواز حمل و نگهداری سلاح داشته باشند دارای سهمیه سالانه صد عدد فشنگ هستند. بخشی از ۳۰۰ میلیون فشنگی که سالانه با تمدید مجوزهای حمل و نگهداری سلاح توزیع می شود، در اختیار کسانی است که شکارچی حرفه ای هستند و برایش کار در فصل مناسب، درخواست مجوز شکار می کنند. بخشی اما در اختیار افرادی است که برای تخلیه هیجانات ناشی از تیراندازی با دسترسی به گوشت مجانی، سر از طبیعت درمی آورند و به طور غیرقانونی اقدام به شکار حیوانات (قابل خوردن و غیرقابل خوردن) می کنند.

۵۰۰ کشته

هر چند تاکنون ۱۴۱ محیط بان حین خدمت شهید شده اند اما از سوی دیگر حدود ۵۰۰ شکارچی هم جان خود را از دست داده اند. همه چالش های قضایی در این میان را هم که کنار بگذاریم (که نباید به راحتی از آن چشم پوشی کرد) این آمار نسبت به شرایط مشابه دیگر کشورها فراوانی بسیاری دارد و نیاز به آسیب شناسی جدی در این زمینه وجود دارد. به عنوان مثال مناطق محافظت شده کشور آمریکا ۱۱ برابر ایران است، در حالی که تاکنون حدود ۲۵ نفر از محیط بانان آنجا کشته شده اند و جالب این که اغلب آنها به خاطر سقوط از ارتفاع و حوادث طبیعی بوده است. محمد درویش، فعال محیط زیست می گوید: «هم محیط بان و هم شکارچی و قاچاقچی هموطنان ما هستند، قرار نیست میدان جنگی میان آنها برقرار باشد. با منطق زور و اسلحه نمی شود از محیط زیست نگهداری کرد.»

اقصاص

عدد «یک» در میان آمار استخراجی در این بسته آماری

زندگی +



در پایگاه رسمی سازمان حفاظت محیط زیست فقط ۱۳۱ شهید محیط بان به تفکیک استانی ذکر شده است، آن هم بدون ذکر تاریخ شهادت، بنابراین نمی توان متوجه شد که این اسامی مربوط به چه زمانی است، ضمن این که ممکن است بسیاری در این میان جان عزیزشان را از دست بیاشند اما از سوی نهادهای مرتبط عنوان شهید برای آنها منظور نشده است. آمارها حکایت از شهادت ۱۴۱ محیط بان تا به امروز دارد. آماری درستی از مجروحان و جانبازان محیط بان وجود ندارد و شاید یکی از دلایل آن فراوانی این مورد است. آخرینش امین هادی پور محیط بان جنوبی است که هفته گذشته به واسطه درگیری اش با شکارچیان مجروح شد و پزشکان مجبور به قطع پای او شدند.

کشته شدن یک محیط بان یا جنگلبان باشد یا زخم خوردن او در طبیعت ایران یا همین مورد اخیر که منجر به قطع پای امین هادی پور محیط بان جنوبی شد، دوباره بهتحمایت از محیط بانان، چند روزی داغ می شود. این چرخه خسته کننده و فرسایشی مدت هاست ادامه دارد و در همین مدت سودجویان بسیاری به راحتی جنگل ها را تصرف می کنند و شکارچیان ش به جان معدود حیوانات باقیمانده می افتند. همین چرخه که ادامه پیدا کند برخی کارشناسی هشدار می دهند ۳۰ سال دیگر جنگل در ایران خاطره و تماشای حیات وحش برای نسل های بعد آرزو می شود. تا دلتان بخواهد هم در حوزه محیط زیست ما صاحب رکوردهای منفی در جهانیم. بیشترین میزان تخریب جنگل، بیشترین شکار پرند ه های مهاجر در جهان و البته صاحب بیشترین آمار کشته و جراحات حافظان منابع طبیعی.

اعداد و ارقام همیشه سنجه مناسبی بوده اند برای پژوهشگران، بیرون از این نظام داده کاوی آماری اما مردمی هم وجود دارند که این اعداد و ارقام می تواند نیهیی باشد برایشان از اتفاقی که در جهان پیرامونی شان می گذرد. شاید بتواند قدرت تحلیل آنها را در حوزه زیستی شان بالاتر ببرد چرا که اتفاقا اگر قرار است وضعیت محیط زیست و حیات وحش در ایران تکانی بخورد نه از آن نظام داده کاوی آماری دولت بلکه از تغییر نگرش مردمان این سرزمین است. محیط بانان و جنگلبانان ایران هم همیشه طی دهه های گذشته فقط در این نظام آماری دیده شده اند، این که چه تعداد اند و چند نفر از این تعداد در این راه کشته شده اند و چه تعداد جراحات داشتند... بیش از این انگار کاری برای این حافظان طبیعت ایران صورت نگرفته است.

جمعیت حیات وحش ایران باقی مانده است و همین درصد باقیمانده در برابر حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار شکارچی قرار دارند. حالا دوباره اعداد را کنار هم بگذارید ۳۴۰۰ محیط بان در برابر یک میلیون و ۸۰۰ هزار شکارچی که در پی ۱۰ درصد باقیمانده حیات وحش ایران هستند. تنوع شکارچیان در ایران هم جالب توجه است، عده ای برای فروش گوشت شکار می کنند و خب تا وقتی خریدار وجود داشته باشد که دارد این عده حیات وحش را نشانه گرفته اند. برخی از شکارچیان هم برای حفاظت از دام خود دست به اسلحه می شوند. عده قابل توجهی انگیزه شان تفریح و سرگرمی است و آن طور که فعالان حوزه محیط زیست می گویند افرادی هم برای انتقام و اقدامی تلافی جویانه شکار می کنند.

۳،۰۰۰،۰۰۰ قبضه

هاشم اسدزاده، رئیس گروه تهوری ورودی شکار می گوید: «۲ میلیون اسلحه با مجوز در کشور وجود دارد اما کنار آن یک میلیون اسلحه بدون مجوز هم هست

۱۴۱ شهید

در پایگاه رسمی سازمان حفاظت محیط زیست فقط ۱۳۱ شهید محیط بان به تفکیک استانی ذکر شده است، آن هم بدون ذکر تاریخ شهادت، بنابراین نمی توان متوجه شد که این اسامی مربوط به چه زمانی است، ضمن این که ممکن است بسیاری در این میان جان عزیزشان را از دست بیاشند اما از سوی نهادهای مرتبط عنوان شهید برای آنها منظور نشده است. آمارها حکایت از شهادت ۱۴۱ محیط بان تا به امروز دارد. آماری درستی از مجروحان و جانبازان محیط بان وجود ندارد و شاید یکی از دلایل آن فراوانی این مورد است. آخرینش امین هادی پور محیط بان جنوبی است که هفته گذشته به واسطه درگیری اش با شکارچیان مجروح شد و پزشکان مجبور به قطع پای او شدند.

۳۴۰۰ محیط بان

محیط بان فردی است که به حفاظت و کنترل عرصه های طبیعی و حیات وحش کشور می پردازد. حالا با این تعریف آن طور که جمشید محبت خانی، فرمانده یگان حفاظت محیط زیست ایران می گوید: «در حال حاضر ما ۳۴۰۰ محیط بان داریم که ۲۲۰۰ نفر از آن ها در پاسگاه ها هستند. این تعداد محیط بان در ۶۴ پاسگاه در مساحتی حدود ۱۹ میلیون هکتار فعالیت می کنند. این اعداد به این مفهوم است که نسبت به قواعد سازمان محیط زیست در حال حاضر باید حدود ۷۰۰۰ محیط بان داشته باشیم. نسبت به استاندارد جهانی هم تعداد محیط بان های ما باید هشت برابر شود. بر اساس استاندارد جهانی هر هزار هکتار باید توسط یک محیط بان حفاظت شود. در ایران هر محیط بان از ۶۰۰۰ هکتار حفاظت می کند.»

۳۰۰۰ جنگلبان

جنگلبان همان طور که از عنوانش مشخص است مسؤول نگهداری و محافظت از جنگل هاست. هر چند مساحت جنگل های ایران نسبت به دیگر عرصه های طبیعی کمتر است اما وضعیت جنگلبانان نسبت به محیط بانان وخیم تر است. برخی از آمارهای موجود حکایت از فعالیت حدود ۳۰۰۰ جنگلبان در ایران دارد اما فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری از نسبت کمی به شدت منفی جنگل و جنگلبان در کشور به ما می گوید و می افزاید: «بر اساس استانداردهای رایج جهانی به ازای هر یک هزار هکتار جنگل به طور متوسط یک جنگلبان وجود دارد اما در ایران درمقابل هر ۴۰ هزار هکتار عرصه طبیعی یک جنگلبان فعالیت دارد.» در طول ۴۰ سال گذشته ۱۹ نفر از نیروهای جنگلبان در حین ماموریت جان شان را از دست داده اند.

۱،۸۰۰،۰۰۰ اشکارچی

برخی کارشناسان ادعا می کنند فقط ۵ تا ۱۰ درصد از

یادداشت
علی عباس نژاد
فرمانده یگان حفاظت
سازمان جنگل ها

به جنگلبان ها شلیک نکنید!

اگر به سرانه فضای سبز دنیا نگاهی بیندازیم متوجه می شویم ۳۵ درصد سطح خشکی در دنیا را جنگل ها تشکیل دادند که در ایران متأسفانه این درصد تنها ۷٫۸ درصد است.

به این مفهوم که نسبت جنگل ها در ایران بسیار پایین است. همین گزاره به تنهایی نشان می دهد حفاظت و نگهداری از این میراث باقیمانده یک فعالیت ملی و میهنی است؛ چرا که زیست ما، تنفس و آینده ما بستگی به وجود همین جنگل ها دارد.

بیشتر سطح کشور اراضی ملی است که به نوعی انغال است و از گذشتگان به ما رسیده و وظیفه ما این است که آن را برای آیندگانمان حفظ کنیم، حالا با توجه به ارزش افزوده هم زمین دارد و هم در این سال ها چوب پیدا کرده است به طور طبیعی افراد بسیاری از سودجویان و فرصت طلبان را به طمع به دست آوری آنها به سمت این اراضی کشانده است.

بدیهی است برخورد با این افراد آسان نیست و پیشگیری از تاراج سرمایه های ملی ما توسط این افراد سخت است. به طور قانونی هنوز هم آن طور که باید حمایت صددرصدی نمی شویم و این مسأله مبارزه با این افراد را سخت تر هم کرده است.

به این مفهوم که بسیاری از نیروهای جنگلبان در صورت درگیری در محاکم قضایی گاه مورد بازخواست قرار می گیرند. این نکته اخیرا با قانونی شدن مبارزه با قاچاق چوب نسبت به گذشته سهل تر شده و نیروهای جنگلبانی حالا با اختیار بیشتری نسبت به قاچاق چوب در کشور عمل می کنند.

البته این تنها تهدید جنگلبانان ایران نیست، قاچاقچیان چوب تنها بخشی از این تهدیدهاست چرا که بسیاری از درگیری های پیش آمده برای جلوگیری از تصرف زمین های ملی صورت گرفته است و زمین خواران هم با تشکیل باند های مخوف و گاه نفوذ در سیستم، در این راه همواره تهدید مهمی برای جان جنگلبانان بوده اند.

از همه این موارد هم که بگذریم نام جنگلبان ها را حداقل در سال های اخیر همواره در حوزه اطفا حریق ها هم شنیده اید. حالا در آستانه آغاز فصل حریق هم هستیم و این همواره یکی از چالش های جنگلبانان بوده است.

با توجه به پوشش گیاهی بالا به ویژه در استان های زاگرس نشین یک غفلت از سوی هموطنان ما منجر به آتش سوزی های گسترده می شود. همه این تهدیدات گفته شده در حالی است که یگان ما هنوز و همچنان ساختار سازمانی ندارد، لباس مشتری ندارند و مهم تر از همه باید حق و حقوقی هم به این افراد پرداخت شود. جنگلبان ها با وجود همه تهدیدات جانی و با وجود اهمیت بالای کاری شان همچنان محروم از این بدیهی ترین حقوق خود هستند.